

سگ گزنده!

ابو هريره گفت: صبحی با رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نماز صبح کرده بودیم، آن جناب پشت مبارک به محراب داده و روی به اصحاب آورده در صحبت بودند که مردی از انصار رسیده، پیش آمد و گفت: یا رسول الله! گذار من بر در خانه ی فلان شخص افتاد که سگی دارد و آن سگ سر راه بر من گرفته، جامه ی مرا درید و ساق مرا مجروح ساخت و مرا در نماز صبح از خدمت شما محروم کرد! ... روز دیگر شخص دیگری آمد و به همان طریق شکوه از آن سگ نمود و جامه ی دریده و ساق مجروح خود را به آن حضرت نشان داد و از نرسیدن به نماز ناراحت بود.

پس از این رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ متوجه خانه ی آن شخص شده، فرمودند سگ عقور (گزنده) را قتل واجب است. چون به در آن خانه رسیدند، آنس پیش رفته، در را بکوفت و صاحب خانه بیرون آمده گفت: یا رسول الله! چه چیز شما را به خانه من آورده؟ و حال آن که من بر دین شما نیستم و اگر به من رجوعی بود مرا می بایست طلب فرمایید که به خدمت آیم. من که باشم که شما تصدیع کشیده، به خانه ی من درآید.

حضرت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: تو را سگی است که هر روز یکی را مجروح سازد و جامه می درد. آن سگ را بیاور. پس آن مرد به درون خانه دویده، ریسمانی در گردن سگ کرده، کشان کشان بیرون آورد. چون چشم آن سگ به حضرت رسول افتاد، به قدرت الهی به زبان آمده گفت: السلام علیک یا رسول الله! چه چیز شما را به این جا در آورده است و سبب قتل من چیست؟

حضرت فرمودند که دیروز فلان را و امروز فلان را جامه دریده ای و پاهای ایشان را مجروح ساخته و از نماز محروم کرده ای؟! آن سگ به زبان فصیح گفت: یا رسول الله! مرا کار به مؤمنان نیست و این دو شخص از جمله منافقان و دشمنان امیرالمومنین اند و چون به خانه ی خود می روند، ابن عمّ تو را ناسزا می گویند و سبّ می کنند، و اگر ایشان چنین نمی بودند متعرض ایشان نمی شدم، ولیکن مرا اخوت عربیت و همیت اهل بیت و محبت علی بر آن می دارد که دشمنان او را

^۱ - متن را به جهت روانی بیشتر مختصر تغییراتی دادیم اما زبان کتاب بر منهج قدیم است. (سیدمحمد خردمند)

^۲ - جالب است که ناقل حدیث از بزرگان مکتب خلفاست!

به قدر امکان ایذا کنیم و اهانت برسانیم؛ چون رسول خدا صلی الله علیه و آله این کلمات را از آن حیوان که دمش به از ریش منافقان است شنیدند، به صاحب سگ سفارش نمود که مشفقانه با آن سگ سلوک نماید و خواست که برگردد.

آن مرد به دست و پای آن حضرت افتاد و گفت: یا رسول الله! هرگاه سگ من شهادت به رسالت تو داده باشد من کم از سگی باشم اگر ایمان به تو نیاورم، دست بده تا مسلمان شوم. من گواهی می دهم که خدا یکی است و تو رسول و فرستاده ی خدایی و ابن عمّ تو، ولی خدا و وصیّ مصطفی است؛ هر که با او بد باشد صد مرتبه از سگ کمتر است و جای او در وسط جهنم است؛ ... آن مرد توفیق اسلام یافت و جمیع آنهايي که در خانه او بودند مسلمان شدند.^۳

^۳ - حدیقه الشیعه، فصل یازدهم در معجزات علوی، صفحه ۴۰۶

حَدِيقَةُ الشَّيْعَةِ کتابی کلامی به زبان فارسی نوشته ی مقدس اردبیلی درباره امامت و فضائل ائمه اطهار علیهم السلام است. مرحوم اردبیلی در این اثر با قلمی ساده و روان و با دلائل عقلی و نقلی بر امامت ائمه اطهار تأکید می کند. برخی انتساب این کتاب به مقدس اردبیلی را نمی پذیرند و اشخاص دیگری را صاحب کتاب می دانند و عده ای بخشی از آن را به مقدس اردبیلی نسبت می دهند؛ اما به هر حال از علل شهرت و مقبولیت حدیقه الشیعه در میان شیعیان غیر از ساده و سلیس بودن آن، انتساب کتاب به شخصیتی نظیر مقدس اردبیلی است که در میان عامه و خاصه محبوب بوده است. همچنین قسمت نکوهش صوفیه و ذکر مطاعن آن ها در معروف ساختن کتاب بی تأثیر نبوده است.